

اطاعت، شرط اساسی بوروکراسی است؛ اما در برابر اصل فرمانبرداری، دو اصل مسئولیت و اعتدال نیز قرار می‌گیرند که اطاعت را در بند چهارچوب‌ها و قوانین قرار می‌دهد؛ بدین ترتیب اگر اطاعت شرط مهم سازمانهای بوروکراتیک باشد، - چنانچه حیطه و روش آن روشن شود - روبا با سازمانهای دمکراتیک متقابل خواهد شد. بنابراین فرمانبرداری به میزان اندک، شرط دمکراسی نیز محسوب می‌شود. حال چنانچه حکومتی بر فرمانبرداری مطلق اصرار ورزد، نگاه‌ناغث تضعیف دمکراسی خواهد شد» (ص ۱۱۱).

در سه نوع سازمان ذکر شده، یعنی سازمان بوروکراتیک (که تحقق همه اهداف معین و مشخص در آن مورد نظر است و کارایی اصل فراموش می‌گردد) سازمان دمکراتیک (که هدف آن فراهم آوردن مکانیسم‌های ایجاد همراهی و سازگاری در مورد اهداف مشترک یا مشارکت است) و سازمانهایی با اهداف خاص و کم‌برد مثل کلیساها یا انجمن‌های اجتماعی) تعارض هم، میان کارایی و مشارکت روی می‌دهد.

برخی معتقدند که باید در مواردی که مشارکت به کارایی لطمه می‌زند، مشارکت را منع کرد. برخی بر خلاف آن معتقدند که مشارکت اصل است و گروهی نیز مانند لیپست دمکراتیست، معتقدند که مشارکت با کارایی هم‌زمانی ندارد و اتحادیه‌ای دمکراتیک می‌تواند بسیار نیرومند و کارا باشد؛ بر همین اساس است

مفاد او از دو دیدگاه اول و دوم، یعنی کسانی که به جمع کارایی و مشارکت باور ندارند، بدین ترتیب یافته‌اند که «سازمانهای تخصصی یعنی نحت سیطره کارایی بوروکراتیک قرار می‌گیرند و عرصه‌های سیاسی نیز ارزشهای بوروکراتیک خود را حفظ کنند تا از تعدی و تجاوز کارایی بوروکراتیک مصون مانند» (ص ۱۱۲). شاید هم بتوان این دیدگاه را دیدگاه رسمی در تقابل کارایی و مشارکت - با جدا کردن عرصه‌های آن - پنداشت.

راه حل نویسنده برای مشارکت در سازمانهای کراتیک وجود گروه‌بندی‌ها در داخل یک (ان شبیه احزاب) است.

در مورد سلسله مراتب و معیار آن نیز سه روش شدت، کارایی فرد و ارتباط او با محافل سیاسی مطرح است؛ اگر کارایی را ملاک می‌دانیم در سازمانهای بوروکراتیک فرض کنیم؛ مشارکت - از طریق کسب کارایی - چندان پیدا نمی‌گردد.

اروپا گام به گام به سوی وحدت

ژوئن ۱۹۸۹: در اجلاس سران کشورهای اروپایی عضو جامعه اروپا در مادرید، وحدت پولی اروپا برای سه مرحله طراحی شد که اولین مرحله تا ژوئیه ۱۹۹۰ به اجرا در خواهد آمد.

اکتبر ۱۹۹۰: انگلیس به سیستم پولی اروپا (ERM) پیوست و مقدمات برای اجرای دومین مرحله از طرح وحدت پولی فراهم شد.

۲۷ نوامبر ۱۹۹۰: مارگارت تاچر بر سر بحران اروپا از مقام نخست‌وزیری انگلیس سرنگون شد و جان میجر، جای وی را گرفت.

۱۱ دسامبر ۱۹۹۱: سران جامعه اروپا در شهر ماستریخت هلند اجتماع کردند و چهارچوب وحدت جامعه اروپا را تهیه کردند. انگلیس در چند مورد با اصول پیمان ماستریخت مخالفت کرد و برخی از کشورهای دیگر اعلام کردند که این طرح را به همه پرسشی مردم خواهند گذاشت.

۲ ژوئن ۱۹۹۲: مردم دانمارک در یک همه‌پرسی، پیمان ماستریخت را رد کردند. و اساس این پیمان، در ۱۱ کشور دیگر نیز سؤال واقع شد.

۱۸ ژوئن ۱۹۹۲: مردم ایرلند در یک همه‌پرسی به پیمان ماستریخت رأی موافق دادند، اما این رأی توانست آثار غرب رأی منفی مردم دانمارک را برطرف سازد.

۲۶ ژوئن ۱۹۹۲: اجلاس سران جامعه اروپا در لیسبون، با تجدید نظر در اصول پیمان ماستریخت موافقت کرد.

۱ ژوئیه ۱۹۹۲: انگلیس ریاست ادواری شورای اروپا را بر عهده گرفت.

برنامه‌های مهم جامعه اروپا، در شش ماه آینده

۴ ژوئیه ۱۹۹۲: اجلاس سران جامعه اروپا در لندن تشکیل خواهد شد. نخست‌وزیر ژاپن نیز در این اجلاس شرکت خواهد کرد.

۸ ژوئیه ۱۹۹۲: وزیر خارجه انگلیس به عنوان رئیس شورای وزیران اروپا، خطوط کلی طرح خود را برای برنامه‌های شش ماهه شورای اروپا، در نطقی خطاب به پارلمان اروپا - در شهر استراسبورگ - تشریح خواهد کرد.

۱۱-۱۲ دسامبر ۱۹۹۲: اجلاس سران جامعه اروپا در شهر ادینبورگ - مرکز اسکاتلند - تشکیل خواهد شد و پروتکلی را تصویب خواهد کرد که متمم پیمان ماستریخت خواهد بود.

۱۹۵۱: فرانسه، آلمان غربی، بلژیک، لوگزامبورگ، ایتالیا و هلند، در پاریس پیمانی امضا کردند که همکاریهای بازرگانی‌ای را در زمینه ذغال‌سنگ و فولاد، بین این کشورها ایجاد کرد، که این همکاری به جامعه «ذغال و فولاد» اروپا موسوم شد.

۱۹۵۷: شش کشور فوق در رم پیمانی امضا کردند که به پیمان «رم» موسوم شد و جامعه اقتصادی اروپا را پایه‌گذاری کرد.

۱۹۶۷: جامعه اقتصادی اروپا (EEC) و جامعه ذغال و فولاد اروپا (ECSE) در هم ادغام شدند و جامعه اروپا (EC) را به وجود آوردند.

۱۹۷۳: انگلیس، ایرلند و دانمارک به جامعه اروپا پیوستند.

مارس ۱۹۷۹: نظام پولی اروپا به منظور جلوگیری از نوسانات شدید پولی، در اروپا به اجرا گذاشته شد. همه اعضا - به جز انگلیس - به این نظام پولی پیوستند.

ژوئن ۱۹۷۹: پارلمان اروپا، اولین انتخابات خود را برپا کرد.

ژانویه ۱۹۸۱: یونان به جامعه اروپا پیوست و بدین ترتیب اعضای جامعه اروپا، به ۱۲ کشور رسید - که تاکنون افزایشی پیدا نکرده است.

ژانویه ۱۹۸۵: ژاک دلور - از رهبران قدیمی حزب سوسیالیست فرانسه و وزیر اسبق دارایی این کشور - به ریاست جامع اروپا برگزیده شد.

ژوئیه ۱۹۸۷: قانون اروپای واحد (SEA) به اجرا گذاشته شد.

ژوئن ۱۹۸۸: رهبران جامعه اروپا از ژاک دلور خواستند، طرحی برای وحدت پولی و اقتصادی اروپا تهیه کند.

آوریل ۱۹۸۹: گزارش دلور در زمینه دورنمای وحدت اروپای غربی انتشار یافت.

جناب آقای بائزید مردوخی مشاور محترم اقتصادی سازمان برنامه و بودجه

مصیبت از دست دادن همسر و فرزند عزیزتان را تسلیت می‌گوییم و خود را در اندوه شما شریک و همدرد می‌دانیم.

شورای سردبیری فرهنگ توسعه